عضو شورای مرکزی اعتدال و توسعه حزب حامی حسن روحانی در گفت‌وگو با «شرق»:

مصداق پوپولیسم هم بیاید، روحانی بخت اول ریاست‌جمهوری است

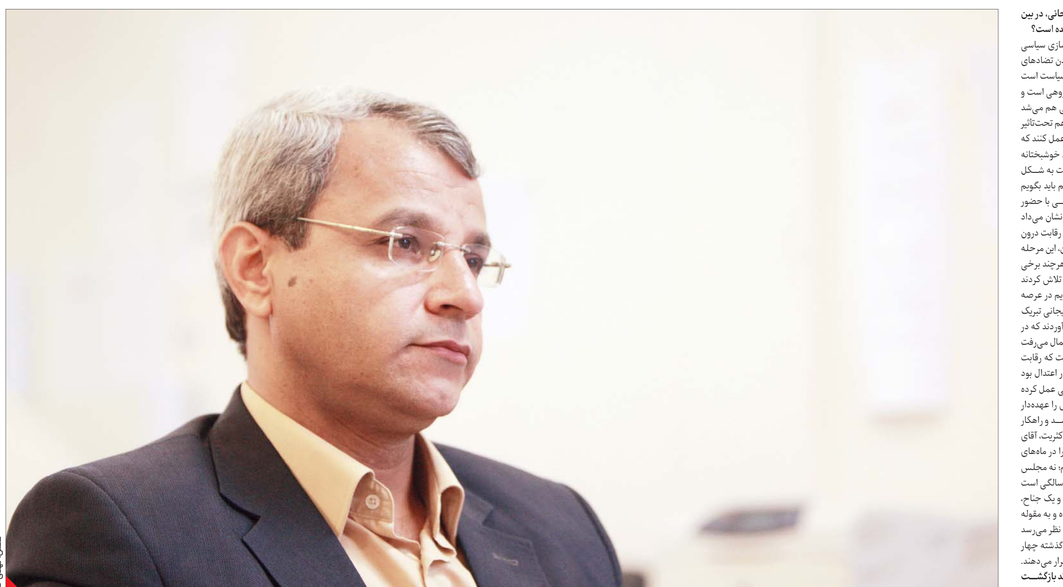

عکس: مهدی صمدی

حامد طیبی

«ورود زودهنگام کشور به مباحث انتخاباتی، به مصلحت نیست»؛ این جمله پارهاوارها در گذشته به‌ویژه در دولت محمود احمدی‌نژاد، توسط فعالان سیاسی جناح مقابل اصلاحات، بیان شده است. حالا در شرایطی که دولت محبوب اصولگرایان بر سر کار نیست و انتخابات مجلس دهم نیز تعداد زیادی از چهره‌های شاخص آنها را از ترییون مجلس محروم کرده است، برخی محافل و مجموعه‌های رسانه‌ای متشب به اصولگرایان از هم‌اکنون وارد مباحث انتخابات ریاست‌جمهوری شده‌اند. آنان هیچ ایرادی ندارند که حرف گذشته خود را نقض کنند و در شرایطی که هنوز یک‌سال تا انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم فرصت باقی است، نه‌تنها وارد کارزار انتخاباتی شوند بلکه پیشگویانه، از احتمال یک دوره‌ای‌شدن حضور شان در این مجلس سخن بگویند. این رویکرد جریان اصولگرا، انتخابات مجلس دهم و تداوم ائتلاف اصلاح‌طلبان با جریان معتدل حامی دولت، اماوگرهای انتخاب رئیس مجلس و الزامات تداوم ائتلاف ۲۴ خرداد ۹۲ تا خرداد ۹۶، از جمله محورهای گفت‌وگوی «شرق» با غلامعلی دهقان است. این فعال سیاسی که فعالیت‌های رسانه‌ای را نیز در کارنامه دارد، پای ثابت مناظره‌های تلویزیونی و رادیویی است که قرار است در آنها فردی از حامیان دولت هم حضور داشته باشد. شاید این مسئله به عضویت او در شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه بازمی‌گردد؛ حزبی که رئیس‌جمهور، پدر بی‌کره نظام سیاسی، اجرائی و اخلاقی کشور وارد کرده است. در این زمینه، آن دسته از نمایندگانی که از راهیابی به مجلس بازمانده‌اند، بخشی از ماجرا هستند که دستمزد خود را گرفتند. اما مسئولیت‌پذیری ایجاب می‌کند هم‌اکنون بعضی از عناصر مجلس که به هر دلیلی و از جمله سرمایه‌گذاری اصلاح‌طلبان برای جولوگیری از ورود عناصر تندرو و افتدارطلب، امکان راهیابی به مجلس را پیدا کرده و خود جزئی از مشکلات ایجاد شده گذشته هستند، باید صحنه را برای نیروهای تازه‌نفس و جدید به‌وجود آماده کنند تا آنان با کار گروهی و ابتکارات خلاقانه بتوانند با رویکرد حل مشکلات کشور، کاهش تنش‌ها و افزایش اسجام ملی مجلس را به جایگاه خود بازگردانند.

در تقسیم قدرت سیاسی اجتماعی، به دلایل گوناگون که در حوصله این یادداشت نیست، اصلاح‌طلبان امکان حضور در برخی مناصب را کمتر داشته و لذا تلاش خود را برای ارتباط بیشتر با نخبگان و مردم مصروف داشتند تا بتوانند به تهادهایی مانند قوه‌مقننه و مجریه وارد شوند تا در زندگی سیاسی و اجرائی و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازهای کشوری مشارکت داشته باشند. با نگاهی به انتخابات گوناگون در ۱۰ سال اخیر مثل ۸۲، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۲ و ۹۴ به‌راحتی می‌توان اظهارنظرهای درایه‌باز خواند. عباسعلی عمیدی‌آرانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس نهم و امیر بازنشسته ارتش که صلاحیت او برای انتخابات مجلس دهم توسط شورای نگهبان تأیید نشد، درایه‌باز به‌می‌گوید: «تدروها» انتخابات ۹۶ را با تخریب برچام کلید زده‌اند تا دولت حسن روحانی را بی‌اعتبار جلوه دهند و مانع رأی‌آوری دوباره او شوند. این چنگ روانی کسانی است که در انتخابات دوره بعدی ریاست‌جمهوری قصد حمایت از امیر آرا گای وحدانی دارند. بنابراین برای رسیدن به هدف خود می‌کوشند موفقیت‌ها و دستاوردهای را که مربوط به عملکرد دولت روحانی می‌شود، نزد مردم بی‌اعتبار جلوه دهند.»

نگاه

اندیشه‌ورزی اصلاح‌طلبانه در مجلس

نصرت‌الله تاجیک
استادیار پیشین هنرمرکان

روند، رویکرد، تمایل و اعتقاد به سیاست‌ورزی در ایران به همان میزان لطمه خورده است که جایگاه و موقعیت اندیشه‌ورزی در میان نسل کنونی در جامعه. این درد لاعلاجی نیست اما باید به دلایل و ریشه‌های آن توجه و راه‌حلی برای درمان آن اتخاذ کرد. مجلس در فلسفه سیاسی حکومت و نظام تفکیک قوا از جهت مفهومی و نظری در زمینه انقلاب و کارکرد آن دارای جایگاه بسیار مهمی است ولی از دیدگاه عملی بسته به کشور، فرهنگ و تعریفی که از جایگاه آن در سیاست و حکومت شده است، جایگاه آن می‌تواند فرق کند. تلقی رهبر فقید انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی از مجلس و تعامل ایشان با آن به قوه نسبت به سایر قوا نشان از اهمیتش برای سازمان حکومتی کشور بود و نقش و جایگاه و نحوه تعامل هفت مجلس اول در حاکمیت نیز به تناسب ویژگی‌ها و کیفیت نمایندگانشان به همین سیره و روش دنبال شدند و کارکرد مناسبی در اداره امور کشور داشتند. اما متاسفانه مجالس هشتم و نهم به دلایلی که خارج از موضوع این یادداشت است، نه تنها توانست نقش بارز قوه را بازی کند بلکه با اشتباهاتش در زمینه قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین ضربانی بر پیکره نظام سیاسی، اجرائی و اخلاقی کشور وارد کرده است. در این زمینه، آن دسته از نمایندگانی که از راهیابی به مجلس بازمانده‌اند، بخشی از ماجرا هستند که دستمزد خود را گرفتند. اما مسئولیت‌پذیری ایجاب می‌کند هم‌اکنون بعضی از عناصر مجلس که به هر دلیلی و از جمله سرمایه‌گذاری اصلاح‌طلبان برای جولوگیری از ورود عناصر تندرو و افتدارطلب، امکان راهیابی به مجلس را پیدا کرده و خود جزئی از مشکلات ایجاد شده گذشته هستند، باید صحنه را برای نیروهای تازه‌نفس و جدید به‌وجود آماده کنند تا آنان با کار گروهی و ابتکارات خلاقانه بتوانند با رویکرد حل مشکلات کشور، کاهش تنش‌ها و افزایش اسجام ملی مجلس را به جایگاه خود بازگردانند.

در تقسیم قدرت سیاسی اجتماعی، به دلایل گوناگون که در حوصله این یادداشت نیست، اصلاح‌طلبان امکان حضور در برخی مناصب را کمتر داشته و لذا تلاش خود را برای ارتباط بیشتر با نخبگان و مردم مصروف داشتند تا بتوانند به نهادهایی مانند قوه‌مقننه و مجریه وارد شوند تا در زندگی سیاسی و اجرائی و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازهای کشوری مشارکت داشته باشند. با نگاهی به انتخابات گوناگون در ۱۰ سال اخیر مثل ۸۲، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۲ و ۹۴ به‌راحتی می‌توان اظهارنظرهای درایه‌باز خواند. عباسعلی عمیدی‌آرانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس نهم و امیر بازنشسته ارتش که صلاحیت او برای انتخابات مجلس دهم توسط شورای نگهبان تأیید نشد، درایه‌باز به‌می‌گوید: «تدروها» انتخابات ۹۶ را با تخریب برچام کلید زده‌اند تا دولت حسن روحانی را بی‌اعتبار جلوه دهند و مانع رأی‌آوری دوباره او شوند. این چنگ روانی کسانی است که در انتخابات دوره بعدی ریاست‌جمهوری قصد حمایت از امیر آرا گای وحدانی دارند. بنابراین برای رسیدن به هدف خود می‌کوشند موفقیت‌ها و دستاوردهای را که مربوط به عملکرد دولت روحانی می‌شود، نزد مردم بی‌اعتبار جلوه دهند.

فعالیت سیاسی و تأثیر آن بر سرنوشت دولت روحانی، در بین برخی چهره‌های احزابی مانند اعتدال و توسعه کم شده است؟

آنچه مسلم است این است که در عرصه تصمیم‌سازی سیاسی نباید تضاد اصلی جامعه را فراموش کرد. بزرگ‌ترین تضادهای فردی یا ناشی از درک‌نکردن مقتضیات زمان در عرصه سیاست است یا جنبه شخصی دارد و به‌نوعی، عمده‌کردن مسائل گروهی است و این در عرصه سیاسی مقوله بسیار مهمی است. پیش‌بینی هم می‌شد عده‌ای بدون درنظرگرفتن مقتضیات زمان و عده‌ای هم تحت‌تأثیر جناح‌گرایی در عرصه انتخاب ریاست مجلس به‌گونه‌ای عمل کنند که مسائل اصلی فراموش شود و مسائل جناحی عمده شود. خوشبختانه با دایت بزرگان اصلاحات و معتدلین اصولگرا، این رقابت به شکل درستی پیش رفت. درباره حزب اعتدال و توسعه هم باید بگویم در یک هفته مانده به انتخاب رئیس مجلس، ما همایشی با حضور آقایان عارف و لاریجانی برگزار کردیم و شیوه برگزاری آن نشان می‌داد این دو با هم رفاقت دارند و اگر رقابتی هم وجود دارد، رقابت درون خانواده است. می‌توانیم ادعا کنیم به صلح جویان، این مرحله از ائتلاف سه‌گانه را نیز به خوبی پشت سر گذاشتند؛ هرچند برخی خبرگراری‌های رقیب و روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های آنان تلاش کردند این رقابت را به خصومت و تعارض تبدیل کنند؛ اما دیدیم در عرصه رقابت هم دکتر عارف اولین کسی بود که به دکتر لاریجانی تبریک گفت و همچنین در انتخاب ثواب رئیس چهره‌های رای آوردند که در فهرست امید بودند و به‌این‌ترتیب کدورت‌هایی که احتمال می‌رفت بروز کند، خوشبختانه به وجود نیامد. واقعیت این است که رقابت آقایان لاریجانی و عارف، رقابت درون‌کتفامانی خوب حول محور اعتدال بود و هر دو شخصیت نشان داده بودند در این عرصه به خوبی عمل کرده و می‌توانند و شایستگی این را دارند که رایست مجلس را عهده‌دار شوند؛ اما به راهکارهای دیگر به دلایل مختلف توجه نشد و راهکار رفاقت توام با رفاقت در پیش گرفته شد و مصداق رای اکثریت، آقای لاریجانی بود. فراموش نکنیم جمله دکتر حق‌شناس را در ماه‌های منتهی به انتخابات که «مجلس اصلاحات می‌خواهیم؛ نه مجلس اصلاح‌طلبان». واقعیت این است که اتفاقی در آستانه ۴۰سالگی است و انتظار می‌رود کنشگران عرصه سیاسی فراتر از فرد و یک جناح، بیش از گذشته به عمق عرصه سیاسی کشور توجه کرده و به مقوله سیاست‌ورزی نگاه دوراندیشانه و ژرف داشته باشند که به نظر می‌رسد همین‌طور هم هست و کنشگران با استفاده از تجارب گذشته چهار دهه سیاست‌ورزی، بیش از گذشته منافع ملی را مد نظر قرار می‌دهند.

چه‌قدر شکل‌گیری مجلس دهم به ادامه روند بازگشت فضای کشور به روند عادی فعالیت سیاسی، تأثیر گذار است؟ نگران این نیستید در آنجا هم برخی تحلیل‌ها دارست و مصلحت‌سنجی‌های در جریان، مانع از پاسخ‌گویی منطقی و در چارچوب قانون به مطالبات سیاسی مردم شود؟

باید قبول کنیم همچنان اصولی از قانون اساسی آن‌گونه که شایسته و بایسته است عملیاتی نشده است. بارترین آن، فصل سوم قانون اساسی است که مربوط به حقوق ملت است. اما از آنجا که تجربه چهار دهه گذشته نشان می‌دهد، اگر تعامل با ارکان دیگر قدرت صورت نگیرد و جریانی که احساس بیرونی دارد بخواهد راه خود را بروود و کار خود را بکند، موفق نخواهد شد. باید اصولی که کمتر مورد توجه بوده، در تعامل تمامی جناح‌ها و ارکان قدرت شورای مرکزی احزاب تازه تأسیس اصلاح‌طلب را کنار گذاشتند تا بهانه به دست رقیب داده نشود. نگران نیستید با شیوه‌ای که شما به دنبال آن هستید، اساسا موضوع تعامل تبدیل به امتیازدهی بی‌حاصل شود؟

می‌توان به این نگرانی توجه و به آن فکر کرد؛ اما به دوسال‌ونیم گذشته و آغاز مسئله هسته‌ای بازگردید. دولت روحانی و تیم دیپلماسی با مدیریت دکتر ظریف، کار را آغاز کرد. اما سیاری نگران بودند که عرض می‌گذارند؟ گفته می‌شد عده‌ای از دیدن کشور قرار نیست آجاره دهید ایران‌هراسی را بیش‌تر و چرخ سیاست خارجی در مسیر عقلانیت بیشتر بچرخد. کم هم نبودند افرادی که از موفق‌نشدن و شکست این پروژه سخن می‌گفتند. اما وقتی جمع اجماع میان ارکان قدرت در ایران شکل گرفت، دیدیم همان جریان معروف به دلواپس هم توانست با همه مسافی و تلاشش به مانعی جدی تبدیل شود.

تعهیدادن مسئله به موضوع سیاست داخلی، خوش‌بینی نیست؟

نه؛ به نظر می‌رسد آن ماجرا می‌تواند الگوی خوبی باشد برای حل و فصل بسیاری مسائل دیگر. اجماع در ارکان قدرت، بیرامون هر موضوعی شکل بگیرد، مؤثر است. تندروها حرف‌هایی داشتند که بیان کردند. در قضیه برچام حرف اساسی‌ای مخالف در مجلس به کلیات داشت؛ اما ۱۳۰ رأی مثبت هم داشت. این همان روحی است که اهالی اصلاحات و اعتدال در مجلس دهم دنبال می‌کنند؛ کسی نمی‌خواهد فقط دربست می‌کوبیم حتی از ترییون دهم‌ها استفاده کرده‌اند؛ اما رأی‌گیری شد و طرفداران برچام پیروز شدند. رسانه‌ها، ارکان نظام و بخش قابل‌توجهی از قوه‌مقننه، از برچام حمایت کردند. در سیاست داخلی هم وقتی مقام معظم رهبری اعلام می‌کنند: «کاهی برخی افراد و جوان‌هایی که همه مسائل صحیح و مهم‌اند، به دلیل مخالفت با یک فرد یا یک جسته سخنرانی، هیاهو و جنجال بپاه‌ می‌اندازند و آن مجلس را بر هم می‌زنند؛ در حالی‌که من از قدیم با این کارها که هیچ فایده‌ای نیز ندارد، موافق نبوده و نیستم؛ و معتقدم فایده در تبیین و کار درست و هوشمندانه است»، این راهنمای عمل همه است و برای کسانی که می‌خواهند در این کشور عمل سیاسی انجام دهند، باید نقشه راه باشد. با در ماجرای حمله به علی مطهری، در سال ۹۳، قوه قضائیه وارد شد و افراد مرتکب حمله، بازداشت و محاکمه شدند. در روزهای اول عدای این را دنبال نمی‌دانستند. بخشی و درایتی که می‌بایست بعد از چهار ماه به آن برسیم پیش از گذشته فضای سیاسی کشور را متأثر می‌کند. البته فراموش نکنیم دوستانی که در مجلس دهم رای آوردند، می‌بایست از پیشینیان دهم و دوازدهم و ارکان یاری‌گر و ارکان قدرت بهره ببرند. کم هم نبودند افرادی که با چوب قضایی حرکت سیاسی انجام می‌دهند. خوشبختانه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون در این ماه‌های اخیر، این نکته بوده است که شاید برای دچار دوقزدنی شوند و بار دیگر برخی قضایا را که پیش از این در عرصه سیاسی شاهد بودیم تکرار نکنند و از حد مطالبات، ارزیابی درستی نداشته باشند. بنابراین ضمن احترام به دیدگاه‌های مجموعه‌های مختلف، بهتر است بپذیریم تنها پروژه‌ای که طی سنوات اخیر توانست کشور را از جنگ دور کند و ایران را در برابر دیدگان کشورهای دیگر، دچار اجماع و صلح طلب نشان دهد و در عرصه سیاسی کشور تصمیمات عقلایی را حاکم کند، روش اعتدال است. خوشبختانه می‌توان ادعا کرد که اکثریت قاطع اصلاح‌طلبان امروز با لبچه اعتدال سخن می‌گویند؛ و از آن مهم‌تر بخشی از اصولگرایان هستند که آنها نیز خواستن اعتدالی را برای مدیریت کشور برگزیده‌اند؛ در برابر کسانی که همچنان طرح‌های منفعلی را دارند؛ بنابراین می‌توان به چنان‌اندار روش و مبنی از تعامل مجلس دهم با دولت تدبیر و امید و همچنین طرح‌های منفعلی، لازم و ضروری در عرصه قانون‌گذاری کشور در مجلس دهم امید داشت.

آیا مجلس دهم برای اصلاح‌طلبان، فرصتی برای نشان‌دادن ظرفیت‌ها خواهد بود؟ به‌جرئت این جریان در ۱۰ سال گذشته کمتر توانسته در فعالیت‌های رسمی احزابی با تقنینی حاضر باشد و

شورای مرکزی احزاب تازه تأسیس اصلاح‌طلب را کنار گذاشتند تا بهانه به دست رقیب داده نشود. نگران نیستید با شیوه‌ای که شما به دنبال آن هستید، اساسا موضوع تعامل تبدیل به امتیازدهی بی‌حاصل شود؟

می‌توان به این نگرانی توجه و به آن فکر کرد؛ اما به دوسال‌ونیم گذشته و آغاز مسئله هسته‌ای بازگردید. دولت روحانی و تیم دیپلماسی با مدیریت دکتر ظریف، کار را آغاز کرد. اما سیاری نگران بودند که عرض می‌گذارند؟ گفته می‌شد عده‌ای از دیدن کشور قرار نیست آجاره دهید ایران‌هراسی را بیش‌تر و چرخ سیاست خارجی در مسیر عقلانیت بیشتر بچرخد. کم هم نبودند افرادی که از موفق‌نشدن و شکست این پروژه سخن می‌گفتند. اما وقتی جمع اجماع میان ارکان قدرت در ایران شکل گرفت، دیدیم همان جریان معروف به دلواپس هم توانست با همه مسافی و تلاشش به مانعی جدی تبدیل شود.

تعهیدادن مسئله به موضوع سیاست داخلی، خوش‌بینی نیست؟

نه؛ به نظر می‌رسد آن ماجرا می‌تواند الگوی خوبی باشد برای حل و فصل بسیاری مسائل دیگر. اجماع در ارکان قدرت، بیرامون هر موضوعی شکل بگیرد، مؤثر است. تندروها حرف‌هایی داشتند که بیان کردند. در قضیه برچام حرف اساسی‌ای مخالف در مجلس به کلیات داشت؛ اما ۱۳۰ رأی مثبت هم داشت. این همان روحی است که اهالی اصلاحات و اعتدال در مجلس دهم دنبال می‌کنند؛ کسی نمی‌خواهد فقط دربست می‌کوبیم حتی از ترییون دهم‌ها استفاده کرده‌اند؛ اما رأی‌گیری شد و طرفداران برچام پیروز شدند. رسانه‌ها، ارکان نظام و بخش قابل‌توجهی از قوه‌مقننه، از برچام حمایت کردند. در سیاست داخلی هم وقتی مقام معظم رهبری اعلام می‌کنند: «کاهی برخی افراد و جوان‌هایی که همه مسائل صحیح و مهم‌اند، به دلیل مخالفت با یک فرد یا یک جسته سخنرانی، هیاهو و جنجال بپاه‌ می‌اندازند و آن مجلس را بر هم می‌زنند؛ در حالی‌که من از قدیم با این کارها که هیچ فایده‌ای نیز ندارد، موافق نبوده و نیستم؛ و معتقدم فایده در تبیین و کار درست و هوشمندانه است»، این راهنمای عمل همه است و برای کسانی که می‌خواهند در این کشور عمل سیاسی انجام دهند، باید نقشه راه باشد. با در ماجرای حمله به علی مطهری، در سال ۹۳، قوه قضائیه وارد شد و افراد مرتکب حمله، بازداشت و محاکمه شدند. در روزهای اول عدای این را دنبال نمی‌دانستند. بخشی و درایتی که می‌بایست بعد از چهار ماه به آن برسیم پیش از گذشته فضای سیاسی کشور را متأثر می‌کند. البته فراموش نکنیم دوستانی که در مجلس دهم رای آوردند، می‌بایست از پیشینیان دهم و دوازدهم و ارکان یاری‌گر و ارکان قدرت بهره ببرند. کم هم نبودند افرادی که با چوب قضایی حرکت سیاسی انجام می‌دهند. خوشبختانه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون در این ماه‌های اخیر، این نکته بوده است که شاید برای دچار دوقزدنی شوند و بار دیگر برخی قضایا را که پیش از این در عرصه سیاسی شاهد بودیم تکرار نکنند و از حد مطالبات، ارزیابی درستی نداشته باشند. بنابراین ضمن احترام به دیدگاه‌های مجموعه‌های مختلف، بهتر است بپذیریم تنها پروژه‌ای که طی سنوات اخیر توانست کشور را از جنگ دور کند و ایران را در برابر دیدگان کشورهای دیگر، دچار اجماع و صلح طلب نشان دهد و در عرصه سیاسی کشور تصمیمات عقلایی را حاکم کند، روش اعتدال است. خوشبختانه می‌توان ادعا کرد که اکثریت قاطع اصلاح‌طلبان امروز با لبچه اعتدال سخن می‌گویند؛ و از آن مهم‌تر بخشی از اصولگرایان هستند که آنها نیز خواستن اعتدالی را برای مدیریت کشور برگزیده‌اند؛ در برابر کسانی که همچنان طرح‌های منفعلی را دارند؛ بنابراین می‌توان به چنان‌اندار روش و مبنی از تعامل مجلس دهم با دولت تدبیر و امید و همچنین طرح‌های منفعلی، لازم و ضروری در عرصه قانون‌گذاری کشور در مجلس دهم امید داشت.

آیا مجلس دهم برای اصلاح‌طلبان، فرصتی برای نشان‌دادن ظرفیت‌ها خواهد بود؟ به‌جرئت این جریان در ۱۰ سال گذشته کمتر توانسته در فعالیت‌های رسمی احزابی با تقنینی حاضر باشد و

عضو شورای مرکزی احزاب تازه تأسیس اصلاح‌طلب را کنار گذاشتند تا بهانه به دست رقیب داده نشود. نگران نیستید با شیوه‌ای که شما به دنبال آن هستید، اساسا موضوع تعامل تبدیل به امتیازدهی بی‌حاصل شود؟

می‌توان به این نگرانی توجه و به آن فکر کرد؛ اما به دوسال‌ونیم گذشته و آغاز مسئله هسته‌ای بازگردید. دولت روحانی و تیم دیپلماسی با مدیریت دکتر ظریف، کار را آغاز کرد. اما سیاری نگران بودند که عرض می‌گذارند؟ گفته می‌شد عده‌ای از دیدن کشور قرار نیست آجاره دهید ایران‌هراسی را بیش‌تر و چرخ سیاست خارجی در مسیر عقلانیت بیشتر بچرخد. کم هم نبودند افرادی که از موفق‌نشدن و شکست این پروژه سخن می‌گفتند. اما وقتی جمع اجماع میان ارکان قدرت در ایران شکل گرفت، دیدیم همان جریان معروف به دلواپس هم توانست با همه مسافی و تلاشش به مانعی جدی تبدیل شود.

تعهیدادن مسئله به موضوع سیاست داخلی، خوش‌بینی نیست؟

نه؛ به نظر می‌رسد آن ماجرا می‌تواند الگوی خوبی باشد برای حل و فصل بسیاری مسائل دیگر. اجماع در ارکان قدرت، بیرامون هر موضوعی شکل بگیرد، مؤثر است. تندروها حرف‌هایی داشتند که بیان کردند. در قضیه برچام حرف اساسی‌ای مخالف در مجلس به کلیات داشت؛ اما ۱۳۰ رأی مثبت هم داشت. این همان روحی است که اهالی اصلاحات و اعتدال در مجلس دهم دنبال می‌کنند؛ کسی نمی‌خواهد فقط دربست می‌کوبیم حتی از ترییون دهم‌ها استفاده کرده‌اند؛ اما رأی‌گیری شد و طرفداران برچام پیروز شدند. رسانه‌ها، ارکان نظام و بخش قابل‌توجهی از قوه‌مقننه، از برچام حمایت کردند. در سیاست داخلی هم وقتی مقام معظم رهبری اعلام می‌کنند: «کاهی برخی افراد و جوان‌هایی که همه مسائل صحیح و مهم‌اند، به دلیل مخالفت با یک فرد یا یک جسته سخنرانی، هیاهو و جنجال بپاه‌ می‌اندازند و آن مجلس را بر هم می‌زنند؛ در حالی‌که من از قدیم با این کارها که هیچ فایده‌ای نیز ندارد، موافق نبوده و نیستم؛ و معتقدم فایده در تبیین و کار درست و هوشمندانه است»، این راهنمای عمل همه است و برای کسانی که می‌خواهند در این کشور عمل سیاسی انجام دهند، باید نقشه راه باشد. با در ماجرای حمله به علی مطهری، در سال ۹۳، قوه قضائیه وارد شد و افراد مرتکب حمله، بازداشت و محاکمه شدند. در روزهای اول عدای این را دنبال نمی‌دانستند. بخشی و درایتی که می‌بایست بعد از چهار ماه به آن برسیم پیش از گذشته فضای سیاسی کشور را متأثر می‌کند. البته فراموش نکنیم دوستانی که در مجلس دهم رای آوردند، می‌بایست از پیشینیان دهم و دوازدهم و ارکان یاری‌گر و ارکان قدرت بهره ببرند. کم هم نبودند افرادی که با چوب قضایی حرکت سیاسی انجام می‌دهند. خوشبختانه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون در این ماه‌های اخیر، این نکته بوده است که شاید برای دچار دوقزدنی شوند و بار دیگر برخی قضایا را که پیش از این در عرصه سیاسی شاهد بودیم تکرار نکنند و از حد مطالبات، ارزیابی درستی نداشته باشند. بنابراین ضمن احترام به دیدگاه‌های مجموعه‌های مختلف، بهتر است بپذیریم تنها پروژه‌ای که طی سنوات اخیر توانست کشور را از جنگ دور کند و ایران را در برابر دیدگان کشورهای دیگر، دچار اجماع و صلح طلب نشان دهد و در عرصه سیاسی کشور تصمیمات عقلایی را حاکم کند، روش اعتدال است. خوشبختانه می‌توان ادعا کرد که اکثریت قاطع اصلاح‌طلبان امروز با لبچه اعتدال سخن می‌گویند؛ و از آن مهم‌تر بخشی از اصولگرایان هستند که آنها نیز خواستن اعتدالی را برای مدیریت کشور برگزیده‌اند؛ در برابر کسانی که همچنان طرح‌های منفعلی را دارند؛ بنابراین می‌توان به چنان‌اندار روش و مبنی از تعامل مجلس دهم با دولت تدبیر و امید و همچنین طرح‌های منفعلی، لازم و ضروری در عرصه قانون‌گذاری کشور در مجلس دهم امید داشت.

آیا مجلس دهم برای اصلاح‌طلبان، فرصتی برای نشان‌دادن ظرفیت‌ها خواهد بود؟ به‌جرئت این جریان در ۱۰ سال گذشته کمتر توانسته در فعالیت‌های رسمی احزابی با تقنینی حاضر باشد و

شورای مرکزی احزاب تازه تأسیس اصلاح‌طلب را کنار گذاشتند تا بهانه به دست رقیب داده نشود. نگران نیستید با شیوه‌ای که شما به دنبال آن هستید، اساسا موضوع تعامل تبدیل به امتیازدهی بی‌حاصل شود؟

می‌توان به این نگرانی توجه و به آن فکر کرد؛ اما به دوسال‌ونیم گذشته و آغاز مسئله هسته‌ای بازگردید. دولت روحانی و تیم دیپلماسی با مدیریت دکتر ظریف، کار را آغاز کرد. اما سیاری نگران بودند که عرض می‌گذارند؟ گفته می‌شد عده‌ای از دیدن کشور قرار نیست آجاره دهید ایران‌هراسی را بیش‌تر و چرخ سیاست خارجی در مسیر عقلانیت بیشتر بچرخد. کم هم نبودند افرادی که از موفق‌نشدن و شکست این پروژه سخن می‌گفتند. اما وقتی جمع اجماع میان ارکان قدرت در ایران شکل گرفت، دیدیم همان جریان معروف به دلواپس هم توانست با همه مسافی و تلاشش به مانعی جدی تبدیل شود.

تعهیدادن مسئله به موضوع سیاست داخلی، خوش‌بینی نیست؟

نه؛ به نظر می‌رسد آن ماجرا می‌تواند الگوی خوبی باشد برای حل و فصل بسیاری مسائل دیگر. اجماع در ارکان قدرت، بیرامون هر موضوعی شکل بگیرد، مؤثر است. تندروها حرف‌هایی داشتند که بیان کردند. در قضیه برچام حرف اساسی‌ای مخالف در مجلس به کلیات داشت؛ اما ۱۳۰ رأی مثبت هم داشت. این همان روحی است که اهالی اصلاحات و اعتدال در مجلس دهم دنبال می‌کنند؛ کسی نمی‌خواهد فقط دربست می‌کوبیم حتی از ترییون دهم‌ها استفاده کرده‌اند؛ اما رأی‌گیری شد و طرفداران برچام پیروز شدند. رسانه‌ها، ارکان نظام و بخش قابل‌توجهی از قوه‌مقننه، از برچام حمایت کردند. در سیاست داخلی هم وقتی مقام معظم رهبری اعلام می‌کنند: «کاهی برخی افراد و جوان‌هایی که همه مسائل صحیح و مهم‌اند، به دلیل مخالفت با یک فرد یا یک جسته سخنرانی، هیاهو و جنجال بپاه‌ می‌اندازند و آن مجلس را بر هم می‌زنند؛ در حالی‌که من از قدیم با این کارها که هیچ فایده‌ای نیز ندارد، موافق نبوده و نیستم؛ و معتقدم فایده در تبیین و کار درست و هوشمندانه است»، این راهنمای عمل همه است و برای کسانی که می‌خواهند در این کشور عمل سیاسی انجام دهند، باید نقشه راه باشد. با در ماجرای حمله به علی مطهری، در سال ۹۳، قوه قضائیه وارد شد و افراد مرتکب حمله، بازداشت و محاکمه شدند. در روزهای اول عدای این را دنبال نمی‌دانستند. بخشی و درایتی که می‌بایست بعد از چهار ماه به آن برسیم پیش از گذشته فضای سیاسی کشور را متأثر می‌کند. البته فراموش نکنیم دوستانی که در مجلس دهم رای آوردند، می‌بایست از پیشینیان دهم و دوازدهم و ارکان یاری‌گر و ارکان قدرت بهره ببرند. کم هم نبودند افرادی که با چوب قضایی حرکت سیاسی انجام می‌دهند. خوشبختانه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون در این ماه‌های اخیر، این نکته بوده است که شاید برای دچار دوقزدنی شوند و بار دیگر برخی قضایا را که پیش از این در عرصه سیاسی شاهد بودیم تکرار نکنند و از حد مطالبات، ارزیابی درستی نداشته باشند. بنابراین ضمن احترام به دیدگاه‌های مجموعه‌های مختلف، بهتر است بپذیریم تنها پروژه‌ای که طی سنوات اخیر توانست کشور را از جنگ دور کند و ایران را در برابر دیدگان کشورهای دیگر، دچار اجماع و صلح طلب نشان دهد و در عرصه سیاسی کشور تصمیمات عقلایی را حاکم کند، روش اعتدال است. خوشبختانه می‌توان ادعا کرد که اکثریت قاطع اصلاح‌طلبان امروز با لبچه اعتدال سخن می‌گویند؛ و از آن مهم‌تر بخشی از اصولگرایان هستند که آنها نیز خواستن اعتدالی را برای مدیریت کشور برگزیده‌اند؛ در برابر کسانی که همچنان طرح‌های منفعلی را دارند؛ بنابراین می‌توان به چنان‌اندار روش و مبنی از تعامل مجلس دهم با دولت تدبیر و امید و همچنین طرح‌های منفعلی، لازم و ضروری در عرصه قانون‌گذاری کشور در مجلس دهم امید داشت.

فعالیت سیاسی و تأثیر آن بر سرنوشت دولت روحانی، در بین برخی چهره‌های احزابی مانند اعتدال و توسعه کم شده است؟

آنچه مسلم است این است که در عرصه تصمیم‌سازی سیاسی نباید تضاد اصلی جامعه را فراموش کرد. بزرگ‌ترین تضادهای فردی یا ناشی از درک‌نکردن مقتضیات زمان در عرصه سیاست است یا جنبه شخصی دارد و به‌نوعی، عمده‌کردن مسائل گروهی است و این در عرصه سیاسی مقوله بسیار مهمی است. پیش‌بینی هم می‌شد عده‌ای بدون درنظرگرفتن مقتضیات زمان و عده‌ای هم تحت‌تأثیر جناح‌گرایی در عرصه انتخاب ریاست مجلس به‌گونه‌ای عمل کنند که مسائل اصلی فراموش شود و مسائل جناحی عمده شود. خوشبختانه با دایت بزرگان اصلاحات و معتدلین اصولگرا، این رقابت به شکل درستی پیش رفت. درباره حزب اعتدال و توسعه هم باید بگویم در یک هفته مانده به انتخاب رئیس مجلس، ما همایشی با حضور آقایان عارف و لاریجانی برگزار کردیم و شیوه برگزاری آن نشان می‌داد این دو با هم رفاقت دارند و اگر رقابتی هم وجود دارد، رقابت درون خانواده است. می‌توانیم ادعا کنیم به صلح جویان، این مرحله از ائتلاف سه‌گانه را نیز به خوبی پشت سر گذاشتند؛ هرچند برخی خبرگراری‌های رقیب و روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های آنان تلاش کردند این رقابت را به خصومت و تعارض تبدیل کنند؛ اما دیدیم در عرصه رقابت هم دکتر عارف اولین کسی بود که به دکتر لاریجانی تبریک گفت و همچنین در انتخاب ثواب رئیس چهره‌های رای آوردند که در فهرست امید بودند و به‌این‌ترتیب کدورت‌هایی که احتمال می‌رفت بروز کند، خوشبختانه به وجود نیامد. واقعیت این است که رقابت آقایان لاریجانی و عارف، رقابت درون‌کتفامانی خوب حول محور اعتدال بود و هر دو شخصیت نشان داده بودند در این عرصه به خوبی عمل کرده و می‌توانند و شایستگی این را دارند که رایست مجلس را عهده‌دار شوند؛ اما به راهکارهای دیگر به دلایل مختلف توجه نشد و راهکار رفاقت توام با رفاقت در پیش گرفته شد و مصداق رای اکثریت، آقای لاریجانی بود. فراموش نکنیم جمله دکتر حق‌شناس را در ماه‌های منتهی به انتخابات که «مجلس اصلاحات می‌خواهیم؛ نه مجلس اصلاح‌طلبان». واقعیت این است که اتفاقی در آستانه ۴۰سالگی است و انتظار می‌رود کنشگران عرصه سیاسی فراتر از فرد و یک جناح، بیش از گذشته به عمق عرصه سیاست کشور توجه کرده و به مقوله سیاست‌ورزی نگاه دوراندیشانه و ژرف داشته باشند که به نظر می‌رسد همین‌طور هم هست و کنشگران با استفاده از تجارب گذشته چهار دهه سیاست‌ورزی، بیش از گذشته منافع ملی را مد نظر قرار می‌دهند.

چه‌قدر شکل‌گیری مجلس دهم به ادامه روند بازگشت فضای کشور به روند عادی فعالیت سیاسی، تأثیر گذار است؟ نگران این نیستید در آنجا هم برخی تحلیل‌ها دارست و مصلحت‌سنجی‌های در جریان، مانع از پاسخ‌گویی منطقی و در چارچوب قانون به مطالبات سیاسی مردم شود؟

باید قبول کنیم همچنان اصولی از قانون اساسی آن‌گونه که شایسته و بایسته است عملیاتی نشده است. بارترین آن، فصل سوم قانون اساسی است که مربوط به حقوق ملت است. اما از آنجا که تجربه چهار دهه گذشته نشان می‌دهد، اگر تعامل با ارکان دی